قطع صدور نفت به امریکا، مورد تأیید کامل ملت ایران است!

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۹۱
سه‌شنبه ۲۲ آبان ۱۳۵۸ ـ تک‌شماره ۱۰ ریال

اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی ضد امپریالیستی اعلام میکنیم

■ **اعضاء و هواداران حزب توده ایران در تحمل محرومیت‌های ناشی از مبارزه ضدامپریالیستی همواره درصف اول خواهند بود.**

مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم جهانخوار امریکا گسترش مییابد. در برابر تهدید تجاوزکارترین محافل امپریالیستی، که احتمال محاصره اقتصادی کشور ما را مطرح کرده‌اند، موجی از خشم و اعتراض عمومی برخاسته است که روشن‌ترین نمونه آن اعلام پنج روز روزهٔ سیاسی است. این موج جدید را ابتدا کارمندان ثبت اسناد آغاز کردند و بدنبال اظهارات امام خمینی اعلام داشتند که در ساعات کار شدا نخواهند خورد، تا ثابت شود که آماده‌اند باشکم گرسنه نیز کار کنند. سپس موج اعتراض گسترش یافت و اقشار مختلف مردم به این شکل از مبارزه پیوستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پشتیبانی کامل خود را از این ابتکار ضد امپریالیستی اعلام میدارد.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران، برای ابراز این همبستگی، در هرجا که مسلمانان مبارز، دست به روزه سیاسی زده‌اند، با آنها همراهی می‌کنند.

پیدایش این موج نوین اعتراضی حکایت از آگاهی وسیع‌ترین قشرهای مردم ایران دارد.

مردم میدانند که امپریالیست

بقیه درصفحه ۳

وظیفه و مسئولیت شورای انقلاب عظیم است

شورای انقلاب، گرچه فرصت کمی در اختیار دارد، ولی در یک موقعیت حساس تاریخی قرار گرفته و انجام وظایف خطیری را برعهده دارد. این وظایف عبارتند از: پیریزی سیاسی برای کوبیدن تمام مواضع امپریالیسم در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی، اجتماعی و فرهنگی از یکسو و تدوین تدابیری در جهت منافع زحمتکشان در تمام عرصه‌های زندگی، یعنی برای ایجاد تحرک در تولید، تأمین کار، غلبه بر رکود و کمکاری، جلوگیری از افزایش قیمتها، برای تأمین مسکن، خدمات بهداری و بهداشتی، آموزش و غیره از سوی دیگر.

بقیه درصفحه ۲

محور اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبارزه ضدامپریالیستی است

دربرنامه فشرده کار شورای انقلاب، که در ۶ ماده، طی اطلاعیه شماره ۲ اعلام گردیده، وظیفه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۶) بشرح زیر مشخص شده است:

«همبستگی بیشتر با کشورهای اسلامی وانقلابی و پیوند با ملل مستضعف جهان ونفی هرگونه سلطه واعمال زور در روابط خارجی»

بقیه درصفحه ۲

در صفحات بعد:

■ پاکسازی دستگاه دولتی یک امر حیاتی است صفحه ۴

■ امریکا از دانشجویان مبارز انتقام می‌گیرد ـ باید این سلاح را از او گرفت صفحه ۴

■ از نظر روزنامه رسمی کشور، «پهلوی» هنوز رسمیت دارد! صفحه ۴

■ ۵ عضو سرشناس کانون نویسندگان: پاره‌ای سازمانها و گرایش‌های سیاسی میخواهند شب‌های کانون را صحنه تبلیغات خود کنند صفحه ۳

■ تلگرام نویسندگان مطبوعات علمی به حضور امام خمینی صفحه ۳

درابراز همبستگی اعضاء وهواداران حزب توده ایران با امام خمینی اشکالتراشی میشود

سازمانها، اعضاء و هواداران حزب توده ایران در سراسر کشور طی تلگرامهائی به دفتر امام خمینی ومقر «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» درسفارت امریکا، پشتیبانی خودرا از مشی ضدامپریالیستی وخلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران وتسخیر لانه توطئه وجاسوسی امریکا علیه انقلاب ایران اعلام داشته‌اند.

ولی با کمال تأسف مشاهده شده است که دربرخی از نقاط، از جمله درجالوس، به‌بهانه‌های گوناگون وواهی ازمخابره این تلگرامها از طرف اداره پست وتلگراف خودداری شده است.

ماضمن اعتراض شدید به‌این عمل غیرانقلابی وغیرقانونی، متذکر میشویم که نه‌این شیوه‌های عامیانه و نه‌هیچ وسیله دیگری نخواهد توانست از مبارزه انقلابی واصولی حزب توده ایران در راه تثبیت، تحکیم وگسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، برهبری امام خمینی جلوگیرد.

پلاکاردی که هزاران زن در تظاهرات ضدآمریکائی حمل می کردند:

اتحاد همه نیروهای خلق ضامن پیروزی بر امپریالیسم است

این گوشه‌ای از لشکر زنان است. آنها مثل همه خلق یک‌شعار دارند: «مرگ بر آمریکا!»

■ **مردم تبریز در تظاهرات باشکوه ضدامریکائی شرکت کردند.**

■ **آیت‌الله خسروشاهی در دیدار از لانه جاسوسی گفت: «آمریکای خون آشام ابرقدرتی خود را از آشامیدن خون ملل مستضعف بدست آورده است».**

صدای ابدی، صدای پیروز، صدای تاریخ، صدای کارگران، که با خشم و خروش در جاسوسخانه آمریکا با فریاد مرگ بر آمریکا رژه میروند، این صدا تنها نیست. بزرگترین یاور آن، صدای خواهر من، مادر تو، همسر او، صدای زنان ایران است. این صدای مادرانی است که جسد سوخته فرزندان خودرا از نوکران آمریکا تحویل گرفته‌اند وفریاد همسران آنها که در سحرگاهان اعدام هنوز در پهنه ایران طنین انداز است:

ـ مرگ برامپریالیسم!

این صدای زنانی است که ازصف‌های طویل دیدار بازندانیان وازشکنجه‌گاههای شاه خائن می‌آیند. این صدای زنانی است که روی دستبند دستشان در ساواک خوانده‌اند، «ساخت آمریکا».

این صدا، همراه صدای کارگران، همراه صدای خلق، از مقابل جاسوسخانه آمریکا بگوش میرسد:

ـ مرگ بر امپریالیسم زیباترین کلام است.

گزارش خبرنگاران «مردم» از سراسر ایران ولانه جاسوسی آمریکا درتهران خبراز شرکت بی‌سابقه زنان در تظاهرات ضدآمریکائی میدهد. زنان ما که درمرحله اول انقلاب برای سرنگونی شاه خائن درصفوف نخستین مبارزان وشهیدان بودند، درانقلاب دوم هم، که بزرگتر ازاولی است، با تمام نیروی خود حضوردارند. آخرین گروه زنان تا زمان نوشتن این گزارش، عصردیروز به مقابل لانه جاسوسی رسیدند.

زنان گره‌خورده درهم، چون تنی واحد، با مشت‌های گره‌کرده آمدند. درمیانشان پلاکارد بزرگی دیده میشد:

ـ اتحاد همه نیروهای خلق ضامن پیروزی برامپریالیسم است

و شعار میدادند.

ـ به‌گفته خمینی، آمریکا دشمن ماست

زنان درمقابل لانه جاسوسی قطعنامه‌ای خواندند و خواستار قطع رابطه با آمریکا شدند.

روز که می‌آید...

خبرنگاران «مردم»، که در تمام شبانه‌روز درمقابل لانه جاسوسی آمریکا حضور دارند، می‌نویسند: «دراینجا سحربا طنین شعار مرگ بر آمریکا پا به شهرمی‌گذارد. انبوه مردمی که شب را درمقابل جاسوسخانه سحر کرده‌اند، چه آنها که خفته‌اند وچه آنان که در کنار خرمن‌های آتش تا صبح شعار ضدآمریکائی داده‌اند، وقتی اولین انوارخورشید آسمان ایران‌را روشن می‌کند، صدا درصدا می‌اندازند و فریاد میزنند:

بقیه درصفحه ۲

سنگ محک در مسئله کردستان

اکنون دیگر برهمگان باید روشن باشد که یگانه راه‌حل انقلابی مسئله کردستان، راه‌حل مسالمت‌آمیز مبتنی بررفع ستم ملی ازخلق کرد است. این راه‌حل نه‌تنها یگانه راه‌حل ممکن و انسانی، بلکه همچنین، ـ همانطور که گفتیم ـ یگانه راه‌حل انقلابی نیز است. بدان دلیل که راه‌حل مسالمت‌آمیز مبتنی بررفع ستم‌ملی ازخلق کرد، **اولا** ـ خلق کرد را ازستم ملی نجات خواهد داد **ثانیاً** ـ به‌جنگ برادرکشی خاتمه‌داده موجبات تحکیم وحدت خلقهای کشور را، که بویژه امروز که درگیر یک نبردحیاتی مماتی علیه امپریالیسم هستیم، یکی ازضروری‌ترین شرایط پیروزی برامپریالیسم است، فراهم خواهد کرد. **ثالثاً** موجب تحکیم رهبری انقلاب خواهد شد که یگانه محوری است که اکنون نیروهای ضد امپریالیست کشور براطراف آن گرد آمده‌اند وعمل می‌کنند. **رابعاً** ـ درهردوجانب مخاصمه، نیروهای جنگ افروز وتوطئه‌گر وتفرقه افکن رابرملا و منفرد خواهد ساخت وراه را بروی نیروهای سالم ووحدت آفرین خواهد گشود.

خامساً ـ به‌توسعه دمکراسی درکشور کمک خواهد کرد و غیره.

درصورتیکه راه حل نظامی، درست نتایجی معکوس ببار خواهدآورد. یعنی، یاموجب سرکوب خلق کرد ویاناکامی جمهوری اسلامی خواهدگردید، که‌این‌شقها باچهرهٔ انقلاب ومنافع آن‌مغایرت بنیادی دارد. میان خلقها و نیروهای ضدامپریالیستی کشور تفرقه خواهدافکند. به‌جنگ‌افروزان وتوطئه‌گران وتفرقه‌افکنان ودیگر

بقیه درصفحه ۲

سنگ‌محك درمسئله کردستان...

بقیه ازصفحه ۱

آیادی امپریالیسم میدان فعالیت هرچه‌وسیعتری خواهدداد. نیروی انسانی و مادی و معنوی کشور را، که باید برای مبارزه علیه امپریالیسم وصهیونیسم بسیج شود، درکوههای کردستان در راه‌هیچ بهدر خواهد داد وغیره.

همهٔ این پی‌آمدها ازآنجا ناشی میشود که راه‌حل انقلابی باید سبب آن‌شودکه هم‌انقلاب ایران تحکیم‌گردد وهم خلق‌کرد به حق مشروع خودبرسد وآنچه به نتیجه‌ای برخلاف این برسد، ضد انقلابی است. درواقع امروز درکردستان، به‌توطئه دشمن، دوست با دوست درگیر شده است واین درگیری باید باآشتی خاتمه یابدونه باامحای یکی‌از طرفین بدست طرف دیگر، که در حالت درگیری دشمن بادشمن مطرح‌میگردد. و این‌جز ازطریق حل مسالمت‌آمیز واعتراف به‌حقوق خلق‌کرد وجز در محیط حداعلای نرمش وتفاهم ممکن نخواهد شد.

با در نظرگرفتن واقعیت‌های فوق که از آفتاب روشن‌تر است وجریان جنگهای‌کردستان صحت آنها را هرروز بیشتر از روز قبل اثبات نموده است ، همه محافل و نیروهائی‌که در طرح و حل مسئله‌کردستان دستی ونفوذی و نقشی دارند، باید بروشنی باین امر توجه‌داشته‌باشندکه امروزدرکردستان مرزمیان‌طرفداری از راه حل مسالمت‌آمیز مبتنی بـردفع ستم‌ملی از خلق‌کـرد و طرفداری ازادامه جنك‌برادرکشی، آن مرزی‌است‌که موضع‌انقلاب را ازگمراهی ضد انقلابی وانقلاب راازضدانقلاب جدا ومتمایـز میسازد . هرمحفل وهرنیرویی وهرجریانی از هرطرف، که درحل مسالمت آمیز مسئله‌کردستان اخلال نماید وبارفع ستم ملی‌از خلق کرد مخالفت‌کند ، چه آگاهانه وچه ناآگاهانه ، چه‌کورکورانه‌و چه عمداً ، درسمت ضدانقلاب‌افتاده ودرسنگرضد انقلاب‌قرارگرفته است. این مرز بقدری روشن است‌کـه باهیچگونـه جمله پردازی انقلابی مآبانه ، باهیچ اعلامیه پرطمطراق و با هیچ «تئوری» و «فلسفه‌ای» نمیتوان آنـرا مخدوش‌نمود ویادرآن ابهامی ایجـاد کرد .

روزنامه «مردم» که ترجمان تعهد حـزب تـوده ایـران در برابرانقلاب ایران وحفظ دستاوردهای آن در قبال امپریالیسم و ارتجاع داخلی‌است، با دقت ومواظبت رویدادهای‌کردستان را مورد تحلیل قرار می‌دهد وبا وجدانی‌پاك وصداقتی بی‌شائبه می‌کوشد تا برای رهایی‌ازاین مخمصه خطرناك، به جمهوری اسلامی ایـران یاری کند.

ما همه نیروها وسازمانها ومحافلی راکه درمسئله کردستان نقش و نفوذی دارند، فرا می‌خوانیم تا خط فاصل میان انقلاب و ضدانقلاب را بدرستی ببینند وباکمك به حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان براساس رفع ستم ملی از خلق کرد، با قاطعیت در سمت انقلاب قرارگیرند .

آنانکه تابامروز، در این امر ندانسته‌اخلال کرده‌اند، باید با تبعیت ازوجدان‌ومنطق، این‌موضع نادرست‌را تغییر دهند. آنانکه پس‌از این همه توضیحات بازهم برموضع نادرست پافشاری میکنند وموجب‌اخلال درمذاکرات‌وکارشکنی درحل مسالمت‌آمیز میشوند، خودبخود آب به‌آسیاب ضدانقلاب می‌ریزند . دراین صورت اگر کسی آنها را ضدانقلابی ویادستیار ضدانقلاب بنامد، آنها بایـد تنها از خود برنجند، زیرا هرچیزی را فقط بنام خود بایدنامید. ماصمیمانه آرزو می‌کنیم‌که درکردستان ودر ارتباط با رویدادهای کردستان، همگان براه درست‌روی آورند ودر آن‌دیار زجر دیده حتی یك نفرهم دستیار ضدانقلاب پیدا نشود!

بهرحال، ما بااعتقاد به‌خرد ووجدان انسانی، امیدواریم‌که نوشته‌های ما به‌سالم‌ترشدن محیط سیاسی کردستان‌کمك کند، تا در چنین محیطی خلق به‌حق‌خود، به‌آرامش، بوحدت وبـرادری‌دست یابدودر نتیجه‌کردستان از میدان برادرکشی‌ضدانقلابی به‌یکی از تکیه‌گاههای استوار انقلاب ایران مبدل شود. ماامیدواریم همگان از سنگ محك تاریخ باروی سفید عبور کنند.

محور اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبارزه باامپریالیسم است...

بقیه ازصفحه ۱

محتوای این جمله فشرده اساساً و علی‌الاصول درست است. ولی بنظرمـا ، **اولا** نیازمند تشریح است و **ثانیا** نیازمند تکمیل، چنانکه مبانی واصول سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی‌ایران‌بوضوع ممهن ومدون‌گردد.

درمدت قریب ۹ماهی‌که ازپیروزی‌انقلاب‌گذشته، این‌مبانی و اصول سیاست خارجی توسط دولت موقت و وزارت خارجه دولت موقت معین ومدون نگردید وبهمین دلیل‌نیز برداشتها و نوساناتی درعرصه فعالیت سیاست خارجی پیدا شد، که‌گاه با محتوا واهداف انقلاب ماهم‌آهنك نبود.

محوراصلی‌فعالیت‌سیاست خارجی‌ما‌مبارزه برضدامپریالیسم برای تأمین استقلال‌کشوردرتمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی وفرهنگی‌است. مبارزه برضدامپریالیسم‌شامل‌مبارزه برضدمولودات آن، یعنی‌صهیونیسم، رژیم‌های دست‌نشانده، استعمار واستعمارنوین، فاشیسم وتبعیض‌نژادی است.

دراین‌مبارزه‌گسترده باید دست دردست تمام نیروهای ضدامپریالیستی‌داشت. ازتمام این‌نیروها مددگرفت وبآنها مددرساند، با تمام ملل‌مستضعف جهان بقدرامکان، ولی‌فعالانه پیوند بـرقرار کرد، ازتمام جنبشهای‌آزادی‌بخش‌پشتیبانی‌کرد.

سیاست‌سلطه‌طلبی وسیاست‌ازموضع زورگوئی،خاص‌امپریالیسم است‌که مستقیماً و یا بدست دولتهای دست‌نشانده‌اش اعمال میگردد وبنابراین«نفی‌هرگونه سلطه واعمال‌زور درروابط خارجـی» طبعاً درمبارزه برضد سیاست امپریالیستی امکان‌پذیر است. ازسوی دیگر ما خود البته سلطه‌طلب نیستیم ودررابطه خارجی‌اعمال‌زورنمیکنیم ویا بعبارت دیگر در روابط با دیگر دولتها ازاصـل همزیستی مسالمت‌آمیز پیروی میکنیم. این‌اصل هرگونه‌تجاوزی را ازطرف هرکشور دیگـر محکوم می‌کند، مصونیت وتمامیت ارضی‌کشورها را برسمیت میشناسد، مداخله‌هردولتی‌را درامور داخلی‌کشوردیگر طرد می‌کند، حل‌اختلافاتی‌را که ممکن‌است بین‌دولتها پیش‌آید،از طریق مذاکرات برمبنای حسن‌نیت ونفع متقابل طرفین می‌پذیرد. اصل همزیستی مسالمت‌آمیز هرگونه تحمیل اراده‌ای را در روابط خارجی، ازطرف هر دولتی بخواهد اعمال‌گردد، نمی‌پذیرد .

مـا بدنبال لغو پیمان تجاوزی امپریالیستی سنتو، درجرگه کشورهای غیرمتعهد قرارگرفته‌ایم وبا لغوقرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، موقعیت ما بی‌شك در جنبش‌کشورهای غیرمتعهد تحکیم یافته است. جنبش کشورهای‌غیرمتعهد اساساً وازنظرمحتواوانگیزه، جنبشی است ضدامپریالیستی‌که هدفش رهائی ملل مستضعف ازیوغ استعمار، بهرشکلی از اشکال،کسب و تـامین استقلال‌کشورهاست و بنابراین ما در این جنبش مبایستی در مواضع مبارزه قاطع بـا امپریالیسم جهانخوارقرارگیریم وبسهم خود جنبش‌را تقویت‌کنیم.

امپریالیسم، بسردمداری امپریالیسم امریکا، ذاتاً تجاوزکار وجنگ‌افروزاست وتا امپریالیسم درجهان بـاقی است، خطرجنگ، چه جنگهای منطقه‌ای وچه جنگ جهـانی موشکی‌هسته‌ای وجود دارد. مابرای جلوگیری ازجنگ مبایستی در صف نیروهای صلح، چه درمقیاس منطقه‌وچه درمقیاس جهانی قرارگیریم، تاباحفظ‌صلح، ضمن‌گریزازفاجعه جنگ، زمینه مساعد برای رشد مستقل‌کشورخود و دیگرکشورهای عقب نگاهداشته شده، زمینه مساعد برای رهائی همه ملل مستضعف ازیوغ امپریالیسم واستعمار غارتگرفراهم‌کنیم.

خلاصه، محور اساسی فعالیت سیاست خارجـی جـمهوری اسلامی ایران مبارزه برضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم هار و غارتگر امریکا است واین محور اساسی سیاست خارجی نـاشی و منطبق‌با **«خط امام»** است. اینك‌که تمام قدرت حاکم در شورای انقلاب تمرکز یافته وسرپرستی‌شورای وزارت خارجه برعهده‌آقای بنی‌صدر، عضو شورای انقلاب، محول گردیده، بموقع وضرور است که مبانی واصول‌سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران معین‌گردد، تاقطب‌نمائی برای‌رهنمائی فعالیت سیاست خارجی دردست مسئولان وکارمندان این وزارتخانه، که‌عرصه فعالیت بسیار گسترده‌ای‌دارد، قرارگیرد.

حزب توده ایران‌چندی پیش طرحی بعنوان پیشنهاد،شامل مبانی واصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عرضه‌داشت که درشماره ۷۵روزنامه «مردم» ونیزبصورت برگ جداگانه‌انتشار یافت.

ماامیدواریم‌که بهنگام تدوین مبانی واصول سیاست‌خارجی این طرح مورد توجه شورای انقلاب ووزارت خارجه قرارگیرد.

اتحادهمه‌نیروهای‌خلق ضامن پیروزی برامپریالیسم‌است

بقیه ازصفحه ۱

ـ مرك برآمریکا!

آری مردم مارروزرا با اراده برای‌نابودی امپریالیسم آغازمی‌کنند.

آنگاه وقتی‌روزمی‌شود، مهمانان خلقی از چهارسوی شهر می‌آیند، تا نفرت خود را نثار جانیان یانکی‌کنند.

صبح دیروز، **آیت‌اله‌خسروشاهی**، برای اعلام همبستگی بجا سوسخانه‌آمد. اوپیش ازورود چنددقیقه سخنرانی‌کرد وازجمله گفت:

«ما امیدواریم که دنیا ببیند که آمریکای توطئه‌گر وخون‌آشام، که ابرقدرتی خود را از آشامیدن خون ملل مستضعف بدست‌آورده‌است اینقدر ذلیل شده استکه بهر سوی جهان برای یاری بخود دستدراز می‌کند.»

مردم **آیت‌اله‌خسروشاهی**را با شعارهای:

ـ پیروزی‌نهائی، اخراج آمریکائی

آمریکا، آمریکا، ننك به‌نیرنك‌تو

بدرقه‌کردند .

بعد ازنمازظهر، **آیت‌اله‌موسوی‌خوئینی** برای دانشجویان‌درداخل سفارت سخنرانی‌کرد. ساعت یك‌بعدازظهر کارگران کارخانه ایران‌کاوه باشعارهای:

ـ خمینی می‌رزمد، آمریکامی‌لرزد

ـ مرك‌برآمریکا!

بمقابل جاسوسخانه‌آمریکا رسیدند. کارگران مجسمه‌ای ازعموسام‌را حمل می‌کردندکه بر یك دست‌آن سیاو بردست‌دیگرشاه‌نوشته‌شده بود. آنها بعد ازاستقرار درمقابل لانه‌جاسوسی، این‌مجسمه را به‌آتش کشیدند. دراین موقع خبرنگاران خارجی برای فیلمبرداری آمدند وخروش‌مرك برآمریکای‌کارگران چون توفان‌برخاست.

یك ساعت‌بعد، پرسنل لشکرپیاده مرکز، باپلاکاردی‌که روی آن‌پشتیبانی خودرا ازاشغال سفارت آمریکا اعلام‌کرده بودند، به مقابل لانه جاسوسی رسیدند. یکی‌از نظامیان به‌نمایندگی دیگران سخن‌گفت وپشتیبانی پرسنل لشکریك کاردراازروزه سیاسی‌اعلام‌داشت‌وگفت،«ارتشیان کالاهای خارجی، مخصوصاً کالاهای آمریکائی را تحریم می‌کنند.»

ساعت ۳بعدازظهر، گروهی ازکارمنـدان بانك رفاه‌کارگران باشعار:

ـ خمینی پیروزاست، کارترنابوداست.

بمقابل لانه جاسوسی رسیدند وبـه‌دنبال آنها کارمندان بانك‌رفاه وآنگاه گروه‌عظیمی‌از کارگران شرکت آپارتمان سازی اوین بـرای محکوم‌کردن آمریکا به‌محل رسیدند.

این تظاهرات همچنان ادامه دارد.

در تبریز

خبرنگاران «مردم» گزارش زیـر را از تظاهـرات ضـدامپریالیستی مـردم تـبریـز برای‌ما فرستاده‌اند.

روز ۱۵آبان نیز بدنبال فراخوان‌انجمن دانشجویان‌مسلمان، میدان‌نماز تبریزشاهدیکی از شکوهمندترین تظاهرات دوران انقلاب بود. جنبش‌عجیبی درمیدان‌بچشم می‌خورد. فریادهای مرك‌برآمریکا همه‌را به‌اتحاد دعوت می‌کرد. مردم فوج‌فوج به‌این دریای خروشان می‌پیوستند ودر عظمت پیکران آن گم میشدند. هم‌جسم واحدی شده بودند وتمام مشت‌ها مشت‌واحد، تادهان‌هر یاوه‌گویی را بکوبند. پیر و جوان، دانشجو و کارگر، بازاری وکسبه، روشنفکر وعامی، همه و همه همچون پیك واحدی درهم‌جوش‌خورده‌بودند وهمه خواستار یك‌چیز بودند، آنهم «قطع‌ریشهٔ نفوذامپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم‌امریکا» در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی . گـروههای مختلف مردم بـا فرستادن پیامهایی پشتیبانی خود را از دانشجویان اعلام می‌کردند.

نزدیك ساعت ۴/۵ جمعیت ازجاکنده شد وبطرف کنسولگری امریکا سرازیرگردید. شعار ها طنین‌خاص‌داشت. این‌دانشجوست، آن‌کارگر است. این‌یکی‌روحانی‌است. آندیگری‌کمونیست است و... اختلاف‌های عقیدتی راکنارگذاشته و همه یك شعار را فریاد می‌کردند ، «مرك بـر امریکا».

جمعیت بعد ازطی‌مسیر به‌کنسولگری‌رسید ودرآنجا اجتماع‌کرد وقطعنامه‌ای را در جهت قطع نفوذ امپریالیسم، تبدیل‌کنسولگری‌امریکا به دفترفلسطین، الغای‌قراردادهای‌ایران‌وامریکا بتصویب رساند.

صبح ۱۴آبان ازدانشگاه حدود۴ـ۵هزار نفرازدانشجویان وسایرگروههای مردم همچون سیلی‌خروشان بطرف‌کنسولگری روان شدند و درطول مسیر جویبارهای‌کوچك مردم این رود طغیان‌کننده را به شطی عظیم و سیلی بنیان‌کن بدل ساخت.

شعارمرك برامریکا ـ امریکا، اسرائیل‌مرك به‌نیرنگتان، خون‌شهیدان‌ما می‌چکدازچنگتان، ازدل توده‌های مردم تبریز برمی‌خاست و بردل همین توده‌ها وتوده‌های مردم دورافتاده تـرین نقاط ایران می‌نشست. مردم شعار مـیدادنـد و بطـرف کنسولگری حرکت میکردند. در کنسولگری بعنوان اعتراض به پناه‌دادن شاه مخلوع توسط امریکاو پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیروخط‌امام پرچم امریکا رابه آتش کشیدند. مردم که به آرزوی قلبـی خـود نزدیکتر میشدند شور و شوق وصف‌ناپذیری از خـود نشان میدادند.

در این تظاهرات، دانشجویان مسلمان، دموکرات‌وانجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز شرکت فعال داشتند.

وظیفه ومسئولیت شورای انقلاب...

بقیه ازصفحه ۱

تجربه دولت موقت در ۹ماه گذشته نشان داد که بـا سیاستی توأم بـا سازشکاری درهیچیك از این‌عرصه‌ها، چه درسیاست‌خارجی وچه در سیاست داخلـی موفقیتی پاسخگوی اهداف انقلاب بدست نمی‌آید ونیزآن تجربه نشان‌داد که با ابـزار ومصالح‌کهنه یعنی دستگاه دولتی‌واداری‌که ازدوران طاغوت بارث مانده، هیچ مشکلی را نمیتوان حل‌کرد و باهـداف انقلاب نمیتوان دست یافت.

لذا سیاستی نو باید اتخاذ گردد ودستگاه اداری نوینی بـا شیوه اداری نوینی باید بنیان‌گذاری شود، تا بتوان انقلاب را به سرانجام پیروزمند خـود رساند.

شور انقـلابـی توده‌هـای میلیونی ـچنانکه در این روزها مجدداً طوفان‌آسا متجلی شدهـ عظیم است. ولی‌این شورانقلابی بخودی‌خود وبه تنهائی قادر بـه حل مشکلات و اجرای وظائـف انقلاب نیست. این شورانقلابی‌را باید با برنامه‌های مدون انقلابی درتمام زمینه‌ها، درمجاری‌مشخصی که باهداف‌انقلابی‌منتهی‌میگردند انداخت واز نیروی پرتوان آن برای پیروزی همه جانبه انقلاب بهره‌گرفت. این وظیفه بـرعهده شورای انقلاب است.

توقع بی‌جائی خواهدبودکه شورای انقلاب درفرصت‌کمی که دراختیار دارد، تمام مشکلات را حل‌کند. این‌کار درمـدت کوتاه شدنی نیست. ولی توقع بجـائی است‌که شورای انقـلاب اصـول برنامه‌ای را در تمام زمینـه‌هـا پی‌ریزی کند، تاتوده‌های‌میلیونی انقلابی قطب‌نمائی‌برای‌سمتگیری بسوی دستیابی به اهداف انقلاب داشته‌باشند. داشتن‌چنین برنامه‌ای، مجهزبودن به چنین قطب نمائی، دورنمای‌انقلاب را بروشنی‌نشان خواهد داد، شورانقلابی توده‌های میلیونی راهمواره فروزان نگاه خواهد داشت وباآن برنامه‌مدون واین شور انقلابی میتوان برهر مشکلی غلبه‌کرد، می‌توان کوه‌را ازجای‌کند.

ازجمله اقداماتی‌که شورای انقلاب می‌تواند **پی‌درپی** اعلام دارد، لغو قـرارداد کنسرسیـوم نفت، انتشارولغو تمام‌قراردادهای نظامی باامریکا وانگـلستان، که همگی مقیـد بـه‌شروط سیاسی‌ـ نظامی‌اند، انتشارولغوتمام‌قرارداد‌های نابرابر اقتصادی که بزیان ایرانند، ملی‌کردن تمام صنایع‌و شرکتهای وابسته بـه سرمایـه امپریالیستی، لغوتمام‌اشکال‌مالکیت فئودالی درروستا و واگـذاری کشت‌زارها به‌دهقانانی که‌برروی آنهاکارمی‌کنند، انحصاربازرگانی خارجـی، تمرکز بـانکـداری دردست دولت، انـتشار فهـرست اسامی ساواکیها وغیره.

پاکسازی ونـوسازی ارتش ودیگر نیروهای مسلح ازوظایف مبرمی استکه بهدرنك انجام‌آن بایدآغازگردد.

اعلام شناخت‌حق«خودگردانی» اقلیتهای ملی ساکن ایـران، در چارچوب تمامیت ارضی کشور جمهوری‌اسلامی‌ایران، ازاقدامات مبرم ضروری استکه موجب‌اتحاد مستحکم داوطلبانه تمام خلقهای ایـران در راه پیروزی انقلاب خواهدشد.

جلب وگردآوری‌تمام نیروـ های راستین انقلابی در جبهه متحد خلق از اقدامات ضروریی است‌که شورای انقلاب درلحظات حساس‌کنونی‌مبایستی درراه‌اجرای آن مبتکر تدابیرمشخص‌گردد.

بطورکلی‌شورای انقلاب در فرصت‌کوتاهی‌که دراختیار دارد، در برابر وظائف بسیار بزرگی قرارگرفته است، که اگردراجرای آنها توفیق یابد، پیروزی نهائی انقلاب بزرك ماتأمین‌خواهدبود. بهمین‌جهت‌مسئولیت شورای انقلاب دراین‌لحظه حساس‌تاریخی، عظیم است.

اطلاعیه سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

امام: مانه‌ازاقدام نظامی می‌ترسیم، نه از محاصرهٔ اقتصادی

امپریالیسم تجاوزگر امریکا بمنظور متوقف ساختن و درهـم شکستن مبارزه ضدامپریالیستی‌و ضدامریکائی مردم قهرمان‌ایران، ما را تهدید به‌محاصره اقتصادی کرده است. زهی خیال‌باطل!

اگـــر محاصره اقتصادی می‌توانست در اراده‌محکم وروح پیکارجوی خلقهاخللی‌وارد آورد، شاید امروز کشورهای‌نیرومندی مـانند اتـحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، کوبای سوسیالیستی، ویتنام ، الجزایر و . . . وجود نمی‌داشت . چه‌درست در فردای پیروزی انقلاب، این کشورها از سوی جهانخواران بین‌المللی به محاصره اقتصادی درآمدند. اما مـبارزه پیروزمند خلقها علیه محاصره اقتصادی ومداخله‌نظامی امپریالیست‌ها نشانگر این‌حقیقت است‌که اراده‌پولادین خلقها کاراتر وقویتر ازتخریب ومحاصره‌اقتصادی و دخالتهای نظامی امپریالیست‌هاست. مردم‌قهرمان‌ما که‌آفریننده یکی ازبزرگترین‌انقلابهای‌ضدـ امپریالیستی هستند، نه‌ازمحاصره اقتصادی بیم‌دارند ونه با این‌نوع تهدیدها سنگر مبارزه عـلیه امپریالیسم را خالی می‌کنند.

مردم‌ماهمانطورکه بامبارزه‌ای متحد وپیگیر، با فـداکاری واز جانگذشتگی، دیکتاتور بزرك و حـامیان امپریالیستی‌اش را در ایران بزانو درآوردند، امروز هم متحداًعلیه محاصره اقتصادی، این سلاح زنك زده امپریالیسم ، راه سرفه‌جوئی‌وقناعت را درپیش می‌گیرندوبه تداوم‌مبارزات‌ضدـ امپریالیستی خود عمق بیشتری می‌بخشند.

سازمان ما بمثابه سازمانی پیگیر در مبارزات متحد ضد امپریالیستی‌بندای برادران‌خود، دانشجویان مسلمان‌پیرو راه‌امام، به پنج‌روز روزه سیاسی بعنوان پاسخ دندان‌شکن بـه امپریالیسم پاسخ مثبت‌می‌دهدوازهمه جوانان ودانشجویان‌می‌طلبددراین‌مبارزه ضدامپریالیستی شرکت جویند.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

۱۳۵۸/۸/۲۰

دویدادهای جهان

زنان درآمریکا انسانهای درجه ۲ بشمار می‌آیند

دربیشتر کشورهای عضو بـازارمشترك، درمـورد پرداخت دستمزد بزنان محدودیتهائی‌وجود دارد. طبق آمـار رسمی که در بروکسل انتشاریافت، درقوانین بسیاری ازکشورهای عضو بازار مشترك پرداخت دستمزد برابر با مردان برای زنـان تضمین نشده است. همچنین هنگام استخدام و ترفیع رتبه برای زنان در ایـن کشورها محدودیتهائی وجود دارد. بهمین علت است کـه کارتـر رئیس‌جمهور امریکا اعتراف میکندکه **زنان درآمریکا هنوزهم افراد درجه دومی‌هستند.**

درآمریکا روی هفتاد هزارسربازآزمایشهای مواد مخدر وسلاح شیمیائی بعمل‌آمده‌است

براثر فشار واعتراض افکارعمومی وزارت دفـاع امریـکا ناگزیرشد اعلام‌کندکه به مسئله چگونگی‌آزمایشهای مواد مخدر وسلاح‌های شیمیائی، که روی سربازان امریکائی انجـام می‌گرفته، رسیدگی‌خواهد شد. طی‌سالهای متمادی درارتش‌امریکا بـه منظور پژوهش چگونگی مواد مخدر ونیزسلاح شیمیائی و بیولوژیك در ارگانیسم انسان، این‌آزمایشها روی سربازان انجام میگرفت.

طبق‌آمـار رسمی، در دوره‌ای از سال ۱۹۵۳ تـا ۱۹۷۵، روی هفتاد هـزار سرباز امریکائـی اینگونه آزمایش‌ها انجـام گرفته است .

امریکاازاستقلال خلق‌کوام جلوگیری میکند

جامعه بین‌المللی بهرطریق ممکن‌حمایت خودرا ازمبارزه عادلانه خلق جزیره‌کوام ابرازمیدارد. خلق‌کوام نمیخواهد بیش ازاین با وضع‌نیمه‌مستعمره‌ای‌که امپریالیسم امریکا به‌وی تحمیـل کرده، سازش‌کند. نمایندگان بسیاری ازکشورها در اجلاس کمیته استعمارزدائی سازمان ملل‌اعلام‌کردندکه فعالیت امپریالیسم‌امریکا درکوام وبویژه حفظ وگسترش پایگاههای هوائی ودریائی امریکا دراین‌جزیره، مهمترین‌مانع درراه اعطای حق‌خودمختاری به خلق کوام است. کمیته استعمارزدائی اعلام‌کرد که طبق اعلامیه اعطای استقلال به‌مستعمرات، کوام‌نیزباید مستقل‌شود. امپریالیسم امریکا باتمام قوا دربرابر این‌خواست افکارعمومی جهان‌مقاومت‌میکند.

جامعه سوسیالیستی متحد طبیعی جنبش رهائی‌بخش ملی است

نوری‌عبدالرزاق، معاون‌دبیرکل سازمان همبستگی‌خلق‌های آسیا وآفریقا، اعلام‌کردکه جنبش‌های رهـائی‌بخش ملی درمبارزه برای ایجاد نظام اقتصادی تازه بین‌المللی هرچه بیشترسمتگیری ضدامپریالیستی بخود می‌گیرند.

وی‌گفت‌کـه اجلاس اخیرکنفرانس‌کشورهای غیرمتعهد در هاوانا تاکیدکردکه جامعه سوسیالیستی‌متحد طبیعی این‌جنبش‌است که ماهیت ضدامپریالیستی و ضداستعماری دارد. عبدالرزاق اضافه کردکه اتحـاد شوروی همواره درکنـار خلق‌هائی‌که بـا تجاوز امپریالیست‌ها روبروشده‌اند، قرارداشته‌است ومثال با زآن‌حمایت قاطعانه اتحاد شوروی ازاعراب درمقابل تجاوزاسرائیل است.

محور اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبارزه باامپریالیسم است...

بقیه ازصفحه ۱

محتوای این جمله فشرده اساساً و علی‌الاصول درست است. ولی بنظرمـا ، **اولا** نیازمند تشریح است و **ثانیا** نیازمند تکمیل، چنانکه مبانی واصول سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی‌ایران‌بوضوع ممهن ومدون‌گردد.

درمدت قریب ۹ماهی‌که ازپیروزی‌انقلاب‌گذشته، این‌مبانی و اصول سیاست خارجی توسط دولت موقت و وزارت خارجه دولت موقت معین ومدون نگردید وبهمین دلیل‌نیز برداشتها و نوساناتی درعرصه فعالیت سیاست خارجی پیدا شد، که‌گاه با محتوا واهداف انقلاب ماهم‌آهنك نبود.

محوراصلی‌فعالیت‌سیاست خارجی‌ما‌مبارزه برضدامپریالیسم برای تأمین استقلال‌کشوردرتمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی وفرهنگی‌است. مبارزه برضدامپریالیسم‌شامل‌مبارزه برضدمولودات آن، یعنی‌صهیونیسم، رژیم‌های دست‌نشانده، استعمار واستعمارنوین، فاشیسم وتبعیض‌نژادی است.

دراین‌مبارزه‌گسترده باید دست دردست تمام نیروهای ضدـ امپریالیستی‌داشت. ازتمام این‌نیروها مددگرفت وبآنها مددرساند، با تمام ملل‌مستضعف جهان بقدرامکان، ولی‌فعالانه پیوند بـرقرار کرد، ازتمام جنبشهای‌آزادی‌بخش‌پشتیبانی‌کرد.

سیاست‌سلطه‌طلبی وسیاست‌ازموضع زورگوئی،خاص‌امپریالیسم است‌که مستقیماً و یا بدست دولتهای دست‌نشانده‌اش اعمال میگردد وبنابراین«نفی‌هرگونه سلطه واعمال‌زور درروابط خارجـی» طبعاً درمبارزه برضد سیاست امپریالیستی امکان‌پذیر است. ازسوی دیگر ما خود البته سلطه‌طلب نیستیم ودررابطه خارجی‌اعمال‌زورنمیکنیم ویا بعبارت دیگر در روابط با دیگر دولتها ازاصـل همزیستی مسالمت‌آمیز پیروی میکنیم. این‌اصل هرگونه‌تجاوزی را ازطرف هرکشور دیگـر محکوم می‌کند، مصونیت وتمامیت ارضی‌کشورها را برسمیت میشناسد، مداخله‌هردولتی‌را درامور داخلی‌کشوردیگر طرد می‌کند، حل‌اختلافاتی‌را که ممکن‌است بین‌دولتها پیش‌آید،از طریق مذاکرات برمبنای حسن‌نیت ونفع متقابل طرفین می‌پذیرد. اصل همزیستی مسالمت‌آمیز هرگونه تحمیل اراده‌ای را در روابط خارجی، ازطرف هر دولتی بخواهد اعمال‌گردد، نمی‌پذیرد .

مـا بدنبال لغو پیمان تجاوزی امپریالیستی سنتو، درجرگه کشورهای غیرمتعهد قرارگرفته‌ایم وبا لغوقرارداد دوجانبه نظامی با امریکا، موقعیت ما بی‌شك در جنبش‌کشورهای غیرمتعهد تحکیم یافته است. جنبش کشورهای‌غیرمتعهد اساساً وازنظرمحتواوانگیزه، جنبشی است ضدامپریالیستی‌که هدفش رهائی ملل مستضعف ازیوغ استعمار، بهرشکلی از اشکال،کسب و تـامین استقلال‌کشورهاست و بنابراین ما در این جنبش مبایستی در مواضع مبارزه قاطع بـا امپریالیسم جهانخوارقرارگیریم وبسهم خود جنبش‌را تقویت‌کنیم.

امپریالیسم، بسردمداری امپریالیسم امریکا، ذاتاً تجاوزکار وجنگ‌افروزاست وتا امپریالیسم درجهان بـاقی است، خطرجنگ، چه جنگهای منطقه‌ای وچه جنگ جهـانی موشکی‌هسته‌ای وجود دارد. مابرای جلوگیری ازجنگ مبایستی در صف نیروهای صلح، چه درمقیاس منطقه‌وچه درمقیاس جهانی قرارگیریم، تاباحفظ‌صلح، ضمن‌گریزازفاجعه جنگ، زمینه مساعد برای رشد مستقل‌کشورخود و دیگرکشورهای عقب نگاهداشته شده، زمینه مساعد برای رهائی همه ملل مستضعف ازیوغ امپریالیسم واستعمار غارتگرفراهم‌کنیم.

خلاصه، محور اساسی فعالیت سیاست خارجـی جـمهوری اسلامی ایران مبارزه برضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم هار و غارتگر امریکا است واین محور اساسی سیاست خارجی نـاشی و منطبق‌با **«خط امام»** است. اینك‌که تمام قدرت حاکم در شورای انقلاب تمرکز یافته وسرپرستی‌شورای وزارت خارجه برعهده‌آقای بنی‌صدر، عضو شورای انقلاب، محول گردیده، بموقع وضرور است که مبانی واصول‌سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران معین‌گردد، تاقطب‌نمائی برای‌رهنمائی فعالیت سیاست خارجی دردست مسئولان وکارمندان این وزارتخانه، که‌عرصه فعالیت بسیار گسترده‌ای‌دارد، قرارگیرد.

حزب توده ایران‌چندی پیش طرحی بعنوان پیشنهاد،شامل مبانی واصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عرضه‌داشت که درشماره ۷۵روزنامه «مردم» ونیزبصورت برگ جداگانه‌انتشار یافت.

ماامیدواریم‌که بهنگام تدوین مبانی واصول سیاست‌خارجی این طرح مورد توجه شورای انقلاب ووزارت خارجه قرارگیرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق

www.iran-archive.com

۵ عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران:

پاره‌ای سازمان‌ها و گرایشهای سیاسی می‌خواهند شب‌های کانون را صحنه تبلیغات خود کنند

بیم ما از اول این بود که از اسم کانون علیه انقلاب ایران استفاده شود

۵ عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران، که از بنیان‌گذاران این کانون هستند، در یك مصاحبه مطبوعاتی نظرات خودرا درباره سیاست فعلی هیئت‌دبیران کانون اعلام کردند.

محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، سیاوش کسرائی، هوشنك ابتهاج(سایه)، فریدون‌تنکابی ومحمدتقی‌برومند، دراین‌جلسه‌با خبرنگاران مطبوعات سخن‌گفتند. خلاصه‌ای ازسخنان آنهادر شماره دیروز چاپ شد. شرح مفصل این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

به‌آذین درابتدای جلسه گفت،

«درباره مخالفت‌هایی که برسر موضوع برگزاری شب‌های‌شعروسخنرانی درکانون نویسندگان ایران‌صورت‌گرفت، مجادله‌ای درحقیقت درطول یك ماه‌ونیم بوده است‌که سرآخربه تعلیق عضویت‌این پنج نفر از طرف هیئت دبیران‌کانون نویسندگان‌ایران منجرشده. لابد اطلاع کافی دارید، یعنی همین واقعه برای‌شما آشناست، اما ازچندوچون آن‌شایداطلاع نباشد وقاعدتاً هم ماهمیشه سعی‌داشته‌ایم که این‌کاردردرون‌کانون‌نویسندگان‌ایران ودرجلساتش باقی بماند ودرهمانجا حل و فصل بشود. منتها مساله عیب دیگری داشت‌که‌مربوط‌می‌شد به‌ماهیت‌گرایش‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاسی این تیمی‌که در حال‌حاضر اداره کانون نویسندگان ایران رابدست دارد بنام‌هیات دبیران کانون. از سی‌ام فروردین امسال که این آقایان مسئولیت‌کانون رابعهده‌گرفته‌اند درتمام فعالیت‌های این دوره درحقیقت دچار یك نوع چپ‌روی بوده‌اند، به این عنوان‌که هرجا هرصدایی به اعتراض نسبت به‌گروه‌هایی‌که بنام‌گروه‌های‌فشار در این مدت شناخته شده‌اند، ازهرجا صورت می‌گرفت، صدای خودشان را با صدای اعتراض آن گروه‌ها و جمعیت‌ها درمی‌آمیختند وامورپا حوادث جزیی‌را صورت‌کلی می‌دادند و نتیجه‌گیری‌کلی دایربراینکه، آزادی نیست، هیچ چیز عوض نشده است، اختناق وسانسور هست وچیزهایی ازاین نوع.

و این را همانطور که عرض کردم صورت‌کلی می‌دادند واعلام می‌کردند بنام‌کانون نویسندگان ایران وحال‌آنکه این، اگرهم فرضاً نقطه‌نظر این آقایان هیات دبیران بود، نمی‌توانست مورد تائید تمام **اعضای کانون باشد و از جمله‌ما**. برای‌ما مسئله درگیری‌های جزیی‌بااعمال‌زور وفشار ازطرف گروه‌ها یاگروه‌ك‌ها یاحتی جناح هایی دردرون دستگاه حاکم فعلی مطرح نیست‌ما این‌ها را امور جزیی می‌دانیم ودرانقلابی که هنوز مستقرنشده ونیروهای متعددی در آن هستندکه دم ازشرکت در قدرت یا انحصارقدرت وچیزهائی از این نوع می‌زنند، که البته مخالفت‌هایی برمی‌انگیزد، واین‌چیزها طبیعی انقلاب‌است مابحساب کل انقلاب وروند کلی‌انقلاب وراستای‌کلی‌انقلاب نه‌آن‌موقع‌میگذاشتیم ونه الان می‌توانیم‌بگذاریم. انقلاب‌یك نظم‌مستقری نیانجامیده است. بنابراین هرکس درهرجایی یاهرگروه‌وهردسته‌ای که تصور دست‌داشتن به‌قسمتی ازقدرت حکومت یاقدرت‌غیرحکومتی،ولی‌قدرتی واقعی داشته باشند، البته‌کارهایی‌می‌کنند درجهت منافع خاص خودشان یا سیاست خاص خودشان،ولی‌این جهره‌کلی‌انقلاب را، تاوقتی بصورت مسلط ومستقر در نیامده است،عوض نمی‌کند. ریشه‌اختلاف این آقایانی که اینجا هستند و کسان دیگری که‌بهرصورت باما یك‌نوع‌تفاهمی دارند باآن آقایان دیگر درست‌درهمین جاست ..

درحدود یکماه و نیم پیش مساله برگزاری شبهای شعرخوانی وسخنرانی کانون نویسندگان ایران مطرح شد و هیات تدارکی برای آن‌تعیین شد. در آنجا پس‌از چندی که سرآخر دونفراز ما را (آقای‌سیاوش‌کسرایی وخودمن‌را) دعوت کردندکه در کمیته‌ای بنام کمیته برگزار کننده شرکت کنیم وقسمتی از بار مسئولیت‌ها را در اداره آن شبها برعهده بگیریم،ما دیدیم که احتمال‌دارد این شب‌های شعروسیله‌ای شود برای‌این که بعضی‌ها بااستفاده ازبلندگوی کانون نویسندگان ایران‌وبا استفاده ازتریبون کانون نویسندگان ایران درحقیقت‌سیاست خاص خودشان‌را درجهت محکوم کردن این انقلاب واین رهبری اعلام کنند و این‌بنام‌کانون نویسندگان‌ایران‌تمام‌بشود. درنتیجه چنین‌چیزی مخالفت‌های‌شدیدی رامی‌توانست‌بوجودبیاورد که‌این‌نه‌بصلاح انقلاب‌ایران‌ونه‌بصلاح کانون نویسندگان ایران بود و ما از همان ابتدا باآن مخالف کردیم، به‌این عنوان‌که، ازیك‌طرف گفتیم ماباً برگزاری شبها به‌عنوان این‌که‌مفاهیم‌آزادی ودموکراسی،آزادی اندیشه وبیان وقلم باردیگر گفته‌بشود وتاکید بشود ، ما با این هیچ مخالفتی نداریم،بلکه این‌عین‌خواست‌ماست.منتها اگر به‌عناوینی که‌عیناً بعضی‌از این‌آقایان گفته‌اند ومن‌ازخودم‌درنمی‌آورم،«آزادی نیست»، «سانسور برقرار است» «اختناق در محیط‌ایران حکمفرماست»، «انقلاب شکست‌خورده است» یاچیزهایی از این قبیل، این‌هارا را بیایند آنجا بگویند برای ما قابل قبول نبود ونیست. ما خطرات‌چنین‌چیزی‌را بارهاو بارهادرجلسات عمومی کانون نویسندگان ایران ودرتنها جلسه کمیته برگزارکننده که مادر آن شرکت کردیم‌وپس‌ازآن هم خود آقایان جلو تشکیل این‌کمیته راگرفتند گفتیم وبنابراین مادر تنهاجایی‌که می‌توانستیم اظهار عقیده بکنیم ونظر خود را و هشدارمان را تکرار بکنیم درجلسات عمومی بوده است.

ما مرتب هشدار دادیم‌که در عین این‌که این‌کاراگر در جهت صحیح انجام بگیرد، می‌تواند مفید باشد، روشنگر باشد، بازهشدارمی‌دادیم‌که اگر استفاده ناروا ازاین شب‌ها واین تریبون‌کانون نویسندگان ایران بشود ، چه عواقبی ممکن است برای خود اجتماع کنندگان درآنجا وخودکانون داشته‌باشد ودرنتیجه محیط متشنج‌تری درایران بوجودبیاورد که عواقب سیاسی‌ناگواری برای انقلاب داشته‌باشد. همه‌این‌ها را ما مرتب گفتیم وگوشزدکردیم‌که تنها این‌کافی نیست‌که بگوئید ما تمام مسئولیت اداره این‌شبها را بر عهده می‌گیریم . هیأت دبیران می‌گفت‌که ما تمام مسئولیت‌های این‌کار را بعهده می‌گیریم. گفتیم‌این‌کافی‌نیست، برای اینکه شما اولا وسایل کافی برای این‌کار را ندارید و ثانیاً اگرهم داشته باشید جمعیتی که آنجا خواهند آمد، جمعیتی‌نیست‌که دراختیار شما باشند. از همه نوع ـمخالف‌وموافقـ وباجهت‌های سیاسی‌مختلف‌آنجا خواهندآمد واحتمال داردکه‌کاربه درگیریهای مستقیم درمیان خودکسانی‌که آنجا خواهند بود بکشد. این‌هشدارها را ما مرتب تکرار کردیم تا آنجائیکه هیأت دبیران ناگزیرگفت ما این‌شب‌ها را درصورتی‌برگزارخواهیم کردکه وزارت‌کشورامنیت این شب‌ها را تضمین کندودرغیراین‌صورت‌ازبرگزاری این‌شب‌هاخودداری می‌کنیم واین‌جریان را هم به اطلاع مردم ایران می‌رسانیم . به‌همین‌علت باوزارت‌کشور واردمذاکراه شدند. چندین ملاقات و چندین تبادل‌نامه‌ها صورت‌گرفت‌که درهیچك ازآنها وزارت‌کشورحاضر به تضمین‌امنیت این شب‌ها نشد، البته دلایلی هم داشت‌که ما بدلایل‌آنها کارنداریم. آنچه مایش‌بینی می‌کردیم این‌بوده‌است‌که اشکالاتی پیش خواهد آمد. امکان این‌که درگیری‌هایی صورت بگیردکه بصلاح نباشد. همه‌اینها را گفتیم. علیرغم همه این‌ها وقتی که شنیدند وزارت‌کشورامنیت این‌شب‌ها را تضمین‌نمی‌کند، ولی‌باز با اصرار گفتند که ما بهر حال این شب‌ها را برگزار خواهیم کرد . حالا چگونه ؛ این را نمی‌گفتند ولی‌بهرصورت این‌را که‌گفتند. ما ناچارشدیم همه حرفهایی‌راکه داشتیم طی‌نامه‌ای باردیگر روی‌کاغذ بیاوریم و به هیأت دبیران بدهیم.

● به‌آذین‌درجای دیگر گفت،

«براستی نمی‌توان دانست که این اصرار هیأت دبیران دربرگزاری‌شبهایی که،بگفته آقای دکتر پرهام، درجلسات کمیته برگزارکننده،مفهومی سیاسی‌دارد، ازکجا مایه می‌گیرد؟ این‌چیزی است‌که خودآقای پرهام‌درجلسه عمومی‌ودرجلسه مشترك برگزارکننده و تدارك کننده گفته است‌آیااین‌نیست‌که‌پاره‌ای‌سازمانها وگرایشهای سیاسی، که بهرعلتی، امکان فعالیت‌آشکارندارند،ازآنجاکه‌درترکیب کنونی هیأت دبیران رسوخی یافته‌اند، می‌خواهند این‌شب‌هارا به‌صحنه تبلیغات خود مبدل‌سازند یاکانون‌را پوششی‌برای فعالیت سیاسی خاص‌خودکنند؟ چیزی‌که مطلقاً بااساسنامه‌کانون وموضع‌اصولی‌آن منافات دارد. هرچندکه هیأت دبیران فعلی درطول هفت‌ماهی‌که از انتخاب آن می‌گذرد، درچند مورد مشخص‌یعنی‌صدور اعلامیه بحمایت از روزنامه‌ای با موضع خاص سیاسی وشرکت‌ناموجه در برخی میتینگ‌ها واعتصابات سیاسی،سابقه‌ای از این‌لحاظ ایجادکرده وبموقع خودمورد اعتراض قرارگرفته است. این‌اشاره‌ای بسوابق‌قبلی است‌که مااعتراض‌کرده‌ایم‌و اشاره بنامه‌ای استکه بتاریخ ۳۰ **اردیبهشت** ما به‌هیأت دبیران نوشته‌ایم و این جریانی خلق‌الساعه نبوده است و سابقه‌ای طولانی دارد ما خواسته‌ایم بهر ترتیبی که شده‌است تاآخرین‌حدممکن که قوا ونیروی استدلال، فکروگفتار ما اجازه میدادین‌آقایان‌را از درپیش‌گرفتن راهی‌خلاف‌مواضع کانون وانقلاب ایران بازبداریم.»

سیاوش کسرائیدراین جلسه‌گفت،

ماجزاین‌گفته بودیم‌که این‌شب‌های شعر راموکول به‌یك موقع مناسبتری بکنید ؛ این یك نوع مصلحت اندیشی است. یك نوع رایزنی است. یك نوع اظهار عقیده است. درجایی‌که باید‌برای آزادی عقیده وبیان نطفه‌اش در آنجا بسته بشود وآیامستوجب‌این‌عکس‌العمل واین حرکات بود؟ اولین برخوردی که باماشد ، در جواب این‌که ماگفته بودیم این‌را به شبهای دیگر موکول کنید، بلافاصله‌باهزاران‌ایماء واشاره‌وسرانجام بصراحت گفتندکه این نظر حزب توده ایران است.

من می‌پرسم اگراین‌نظرحزب‌توده ایران باشد ، اگرحزب توده ایران یك مصلحتی بگویدکه درجهت‌خیریك‌کانون ودرجهت خیریك مردمی باشد ، چه ایرادی دارد ؟ مگر ما درزمان محمدرضا هنوز بسرمی‌بریم که یك حزبی یا یك اندیشه‌ای یایك‌گروهی نبایدحرفش رابزند؟ دوم اینکه آیا این به‌این‌معنا نیست‌که خودشان از یك جهت گیری متقابلی بما دارندنگاه می‌کنند یاهجوم می‌کنند به‌یك‌اندیشه، که نمی‌خواهندکه این حزب حرفش رابزند؟ حال آن‌که ما درگذشته هم همین‌بودیم، همین‌حرفها رامی‌زدیم، همین سخنان را می‌گفتیم ، همین مصلحت اندیشی را.»

به‌آذین وسیاوش کسرائی درمصاحبه‌مطبوعاتی روزیکشنبه ۲۰ آبان ۵۸

فریدون تنکابنی در این جلسه گفت،

پشتیبانی مارا از انقلاب ایران تحریف می‌کنندومی‌گویندکه شماازدولت پشتیبانی‌می‌کنید وحتی‌این تهمت را بما می‌زنندکه شماپنهانی بادولت سازش کرده‌اید وبازاین دلیل براین است‌که می‌خواهند کانون رابطورکلی و شب‌های شعر وسخنرانی‌رانبدیل به بلندگویی برای عقاید خاص سیاسی خودکنند و بااین تهمت‌ها واتهاماتی‌که بمامی‌زنند درکانون یك‌جو تبلیغاتی ناسالمی یا یك محیط ارعاب و... بوجود بیاورندکه مارا خاموش کنند. درحالی‌که اولین شرط این کانون درداخل خودش لااقل آزادی بیان وتحمل عقاید یکدیگر است.

● **هوشنك‌ابتهاج (سایه) دراین جلسه گفت:**

بیم ما ازاول درمخالفت باشب‌های شعرخوانی وسخنرانی این بود که مبادا باسم‌کانون، که بخاطر مبارزاتش درراه آزادی بیان واندیشه وقلم اعتبار زیادی درداخل وخارج کشورکسب‌کرده بود،از اسم‌کانون بر ضد انقلاب ایران ، برضد مردم ایران استفاده کنندودانسته‌یانادانسته این بیم‌را ماداشتیم وسفارشی‌که‌ماکردیم، نظری‌که دادیم‌که این شب‌ها را عقب بیاندازید وبا دقت بیشتری این‌کارانجام شود، فقط بخاطراین‌بود که‌مبادا تکرار کنیم دانسته‌یانادانسته، برعلیه‌مردم‌ایران وبرعلیه انقلاب ایران وطبعاً برعلیه‌خود کانون استفاده شود وحوادثی که‌ممکن‌است دراین شبها پیش‌بیآید، دستاویزی شود برای دشمنان ایران،دوستان‌من میگفتند که این‌نه‌جرم، بلکه خدمتی است.استنباط من این‌استکه حالادر موقعیت خاصی‌که هیئت دبیران‌کانون‌قرارگرفته ویااعضایی که پشتیبان هیأت دبیران‌کانون هستند، شاید (البته‌برایشان مشکل‌است)بخواهند خودرا با انقلاب ایران همراه‌کنند این البته همان چیزی استکه ما میخواهیم ؛ ما می‌خواستیم اگر خدای‌نکرده، خدای نخواسته حرکتی از طرف کانون برعلیه انقلاب ایران، برعلیه مردم‌ایران‌صورت بگیرد،جلوگیری‌کنیم چه بهترکه تمام اعضای‌کانون رسماً واسماً ،درظاهریاباطن باین‌نتیجه رسیده باشندکه ماهم در خط انقلاب ایران هستیم، ماهم انقلاب‌ایران را تأیید می‌کنیم و همراه مردم ایران هستیم».

برپشتیبانی اعضاءکانون نویسندگان ایران‌ازتلگرام ۵ عضو سرشناس کانون‌ـ محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، سیاوش‌کسرائی، هوشنك‌ابتهاج(سایه)، فریدون‌تنکابنی، محمدتقی‌برومند، به‌امام خمینی‌ـ افزوده میشود.

طبق اطلاع رسیده، آقایان زیرنیزپشتیبانی خود را از تلگرام ۵ عضوسرشناس‌کانون نویسندگان ایران به **امام خمینی** اعلام داشته‌اند،

امیرحسن‌آریان‌پور، ناصرایرانی، اسفرالهی، محمدرضا اصلانی، محمدپورهرمزان، ناصرپورقمی، جعفرجهانبخش، بهرام‌حبیبی، بهاءالدین خرمشاهی، بهرام داوری، رکن‌الدین خسروی، محمد زهری، منوچهر شیبانی، احسان طبری، نازی عظیمی، محمدرضا فشاهی، کامران فانی، بهزادفراهانی، جعفرکوش‌آبادی، پرویزمسجدی، محمدعلی‌مهمید، کیومرث منشی‌زاده، نصرت‌الله‌نوحیان (نوح)، اسماعیل نوری‌علاء

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی‌ضدامپریالیستی اعلام میکنیم

بقیه ازصفحه ۱

های جهانخوار به‌این‌آسانی دست ازما برنمیدارند وچنانکه‌تجربه طولانی مبارزات‌ضدامپریالیستی ایران و جهان‌نشان میدهد، اگر بتوانند ازدست‌زدن‌بهیچ جنایتی ابانخواهند داشت.

مااین آگاهی توده‌های زحمتکش مردم ایران وآمادگی آنها برای ادامه‌هرچه‌قاطع‌ترنبرد ضدامپریالیستی‌راتحسین‌میکنیم. اعضاء و هواداران حزب توده ایران درهرجا که‌باشندهموارەدر صف مقدم نبرد خواهند بود و سختی‌ها را باآغوش‌باز استقبال خواهندکرد.

شوروشوق‌وسیع‌ترین‌قشرهای مردم و هیجان عمومی ضدامپریالیستی، که سرتاسرکشور را فراگرفته است، وظایف بزرگ و مشخصی‌رادربرابرحکومت‌انقلابی ایران قرارمیدهد.

شورای‌انقلاب ودولت‌بایدبا تصمیمات واقدامات‌مشخص‌خودبه خواست توده مردم پاسخ‌گویند و ازآمادگی‌آنان‌به‌نبردبهره‌گیرند. آمادگی روحی مردم باید با آمادگی دستگاه دولتی انقلاب تکمیل شود.

برای مقابله با تهدید امپریالیست‌ها به‌محاصره‌اقتصادی ایران نیزلازم است‌که‌ازهم‌اکنون اقدامات مشخصی انجام گیرد، ازآنجمله،

۱ـ بایدهمه‌پیوندهای‌آسیب‌پذیر با انحصارات امپریالیستی را ازهم‌اکنون قطع‌کرد.

۲ـ باید بویژه برای حفظ ذخائر ارزی ومالی‌کشور تدابیر جدی اندیشید .

۳ـ بایدموسسات تولیدی و اقتصادی‌کشوررا هرچه زودتر از حالت‌لختی و بلاتکلیفی درآورد و آنها را با تمام ظرفیت بکار انداخت.

۴ـ بایدبازرگانی خارجی‌را فوراً به انحصار دولت درآورد و معاملات‌خارجی‌را از زیر سلطه انحصارات امپریالیستی بیرون کشید.

۵ـ باید امرملی‌کردن‌بانکها وکنترل‌کامل معاملات ارزی رابا دقت‌بیشتری‌دنبال‌کرد.

۶ـ باید مناسبات اقتصادی کشوررا با همه بازارهای جهانی که از سلطه‌امپریالیسم آزاداست واز جمله بازار های کشورهای سوسیالیستی‌وکشورهای انقلابی و ضدامپریالیستی‌«جهان‌سوم» گسترش داد.

۷ـ باید دربازارداخلی نیز به‌نسبت‌نیاز مبارزه‌ضدامپریالیستی کنترل دولتی وشورائی برقرار شود، تاجلوگیری از احتکار و گرانفروشی و اختلال در بازار مقدورگردد.

۸ـ نبرد ضدامپریالیستی ، فقط درجبهه خارجی نیست . در درون‌کشورهم این نبرد باعوامل امپریالیسم در جریان است. باید دستگاههای اقتصادی وتسولیدی را از این عوامل، وقبل‌ازهمه، از عمال ساواك پاك کرد. اسامی اعضاء وخبرچین‌های ساواك‌باید هرچه زودتر منتشر شود واز خرابکاری‌آنهادر موسسات‌تولیدی جلوگیری بعمل آید.

۹ـ باید جبهه متحده خلق را در همه‌عرصه‌ها واز جمله در عرصه‌اقتصادی‌بوجودآوردوتحکیم کردودرموسسات‌تولیدی‌واقتصادی ازهمه نیروها وانرژی‌ها بوسیع‌ترین شکل ممکن بهره گرفت.

متاسفانه در نه‌ماهه پس‌از انقلاب، درهمه این زمینه‌هامانند همه عرصه‌های دیگر، دولت‌موقت نخواست‌دست‌به‌چنان‌اقداماتی‌بزند که بزیان سرمایه‌داران بزرك و زمینداران بزرك وابسته باشد.در حالیکه ازبین‌بردن‌سلطه‌اقتصادی امپریالیسم و مقابله باتهدیدهای احتمالی‌آن، بدون مقابله ومبارزه باسرمایه‌داری بزرك وزمینداری بزرك وابسته مقدورنیست .

تردیدی نیست‌که‌وقتی‌دولت انقلابی، درپیروی ازرهبری‌قاطع امام خمینی، تصمیمات روشنی برای‌تجهیز همه‌نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم بکیرد وبموقع اجرابگذارد، توده‌های‌زحمتکش مردم ازاین تصمیمات، حتی اگر توام بامحدودیت‌هاو محرومیتها باشد، پشتیبانی خواهند کرد. ما نخستین کشوری‌که با تهدید امپریالیسم روبرو شده باشد، نیستیم. در نبردضد امپریالیستی همه‌نوع محروميت، از جمله جیره‌بندی موادضرور غذائی و حتی‌گرسنگی محتمل‌است‌و مردم وقتی به‌درستی راهی که درپیش است، معتقدباشند، طبیعی‌است‌که این‌محرومیت‌ها رابآسانی تحمل خواهندکرد، و چنانکه گفتیم، اعضاء وهواداران‌حزب‌توده‌ایران نیزهمواره درصف نخستین نبرد خواهندبود.

کمیته مرکزی
حزب‌توده ایران
۲۰ آبان ۱۳۵۸

تلگرام نویسندگان مطبوعات علمی به‌حضور امام‌خمینی

پیشگاه رهبر بزرك انقلاب اسلامی‌ایران‌حضرت‌امام‌خمینی

ما نویسندگان مطبوعات علمی کشور، درتأییدمشی‌گروهی از اعضای کانون نویسندگان، با اظهارسپاس قلبی‌نسبت به‌مبارزات ضداستعماری، ضداستثماری وضد استبدادی‌آن‌حضرت، مانندهمیشه آماده‌ایم تا همهٔ نیروهای‌خود را در راه این مبارزات بگذاریم. ما اعتقادداریم تلاش درراه‌اعتلای دانش وفرهنك، ازمبارزه در راه استقلال، آزادی وشرف انسانی جدا نیست. همچنین ، صمیمانه معتقدیم‌که برگزاری مراسم و تشکیل‌اجتماعات تحت‌پوشش‌دفاع از آزادی قلم وحقوق بشر، در اوضاع واحوال‌کنونی، جزخدمت به امپریالیسم حاصل ونتیجه‌ای ندارد.

ما تعالیم آن حضرت را در زمینهٔ وحدت‌کلمه و اتحاد همهٔ نیروها درجهت‌محوآثار استعمار واستثمار، وبه‌خاطر استقرارکامل جامعهٔ عدل وقسط، به‌جان‌پذیرا شده‌ایم. ازاین‌لحاظ،هرتلاشی‌رادر راه ایجاد نفاق وشکاف دربین‌خلق محکوم می‌کنیم.

با تقدیم احترامات فائقه

احمدآرام- پرویز شهریاری- غلامحسین صدری افشار

تسلیت به همکار

مصیبت وارده را به همکار گرامی آقای خلیل دلیری صمیمانه تسلیت میگوئیم و خود را شریك غم و اندوه این همکار میدانیم.

کارگران و کارمندان چاپخانه کاویان

دومین شماره
دنیا
منتشر شد

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج ازکشوربه‌آدرس‌های زیرین با «مردم» مکاتبه‌کنند:

پاریس
Pigal Albert
B.P. 76160
75001 Paris

ایتالیا
Shams
Via G. vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel.6614922(TUDEH)

انگلیس
P.O. Box 141
London. E7OPE

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیك مردم ایران باشد

پاکسازی دستگاه دولتی یک امر حیاتی است

«پاکسازی مؤسسات و وزارتخانه‌ها از عناصر فاسد و وابسته، برای ایجاد نظام اداری متناسب با انقلاب»، که یکی از حیاتی‌ترین وظائف انقلاب ایران است ومتأسفانه در ۹ ماه گذشته اجرا نشد، اکنون بعنوان یکی از مواد شش‌گانه‌ای که شورای انقلاب قصد اجرای آنرا بطور ضربتی دارد، اعلام شده‌است.

ما که در نه‌ماه گذشته، به شهادت صفحات «مردم» بارها وبارها پاکسازی دستگاه دولت را بعنوان یک وظیفه بسیارحیاتی متذکرشده‌ایم، نمیتوانیم از این تصمیم بجای شورای انقلاب خوشحال نباشیم. ما یکبار دیگرجوانب این‌مسأله و پیشنهادهای خود را دراین باره برای توجه شورای انقلاب منتشرمی کنیم.

ما میگوئیم : پاکسازی موسسات و وزارت‌خانه‌هائی که میراث رژیم گذشته‌اند، امری حیاتی است .

برخورد ما با این مساله، برخورد بارژیم‌شاه خائن است. رژیم هم مجموعه‌ای از ارگانها، نهادها و سازمانهائیست که توسط آن‌خواستها وتمایلات‌حکومت‌کنندگان اجرا میشود. رژیم‌شاه امریکائی۳ نهاداصلی داشت که توسط آنها سلطه شوم خود را برایران دوام میبخشیدواین۳ نهادعبارتند ازارتش،ساواک،وزارتخانه‌ها وموسسات دولتی. هیچکس نیست‌که نداندکه‌این ۳ نهاد رابطه عضوی با هم داشتند و عملکرد آنها توسط ساواک‌ـ سیابرنامه ریزی میشد. ازآنجاکه اداره این نهادها در واقع بعهده ساواک بود، مشاغل حساس تنها به‌کسانی‌سپرده میشدکه مورداعتماد باشند. مورد اعتماد ساواک‌ـ سیاهم‌کسی بودکه‌تامغزاستخوان وابسته‌ومتعهدبه رژیم باشد.اگراز استثناها، یعنی افراد نادری‌که‌بدلیل تخصص به این مشاغل گماشته میشدند، صرفنظرکنیم، اداره کنندگان اصلی دستگاه دولتی ایران را کسانی تشکیل میدادندکه بقول معروف همه سروته یک‌کرباس بوده‌اند وسرنخ همه‌اشان به ساواک وصل بوده است.این دایره وسیع صاحبان مشاغل عالی،که قشر بورژوازی بورکرات ایران را تشکیل دادند ویکی ازحلقه‌های اصلی‌زنجیره‌رژیم‌بودند،برای تسلط براوضاع،لشکری از چشم‌ها وگوشها در اختیار داشتند . درست بخاطر همین تسلط بودکه هرکس کله‌اش «بوی قرمه‌سبزی» میداد، بی‌آنکه بداند ازکجا ضربه‌خورده، یاخودرادر زندان میوافت یادرکنج خانه.

این دستگاه جهنمی درجریان انقلاب ضربه خورد، ولی تنهاباندکی تلفات، که شامل افراد بسیار شناخته میشد، چون‌میراث شومی روی‌دست‌انقلاب‌ماند. مقرربودکه دولت‌موقت بااین‌دستگاه‌کارکند. ولی‌دراین تردید نبودکه انبوه کارگزاران رژیم دست روی دست نمیگذاشتند تامنافعشان چون برف درآفتاب انقلاب ذوب‌شود.

آنها درتدارک ادامه مبارزه بودند. تنها راه، حذف آنها ازصحنه، یعنی پاکسازی دستگاه دولت‌بود. متأسفانه بااین مساله، که‌راه‌حل آن بسیار روشن بود، دوبرخورد نادرست‌شد،چپ‌نمایان‌خواستارنابودی‌دستگاه دولت شدند. راست‌روان باریختن آب پاکی بردستگاه دولت، هرکس‌راکه ریش‌گذاشت و تسبیح بدست‌گرفت، بمگناه شناختند وپاکسازی را متوجه چپها کردند. دولت موقت‌هم دراین میان دست روی دست‌گذاشت. هر وقت‌فشارتوده‌ها برای پاکسازی‌ادارات فزونی‌می‌گرفت، دولت‌موقت‌این خواست بحق را به حساب‌نظریه چپ‌نمایان‌گذاشت وچنین وانمود کردکه دستگاه دولت در حال نابودی است ویامیخواهند آنرا ازبین ببرند. در این‌میان، پاکسازی شامل عناصر صدیق وطن‌پرستی شد که عناصر انحصارطلب وجود آنهارا تحمل نمیکردند. آنکه از پایگیری دولت موقت سود برد، ساواکی‌ها بودند. این«ریشه‌های گندیده» بهم‌رسیدند ودیری نپائید که‌از اینسو و آنسوی ثمرات تعلل دولت در پاکسازی نمایان شد ووقایع نشان داد که ساواکی‌ها حسابی در دستگاه‌دولت‌نفوذ دارند وبه‌شکلهای‌گوناگون‌خرابکاری میکنند. بااینکه شبکه فعال ساواک درروزارت‌بازرگانی لوفت‌ومعلوم شدکه‌دردهها پست‌حساس ساواکی‌هامصدر قدرت‌اند، دولت‌موقت‌گوش به‌فریادهیچ‌یک ازنیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، نداد. این اواخر کاربجائی رسیدکه رئیس بانک ملی لیست ساواکیها را، که‌کارمندان به‌تابلوی اعلانات نصب‌کرده بودند، پاره کرد و دولت موقت دستور داد ساواکیهای اخراجی دانشکده علوم به سرکار برگردند، تا ادارات متشنج نشود!

چه‌باید کرد؟

حالا گذشته‌ها گذشته! یادآوری گذشته تنها بخاطر پندگرفتن ازآن است وگشودن راه فردا. اکنون که شورای‌انقلاب مسئول اداره کشوراست،چه‌باید کرد؟پاسخ ما به‌این سئوال اینست، لبه تیز پاکسازی باید متوجه دو گروه باشد،

۱ ساواکیها وعمال رژیم سابق‌ـ اسنادی که درجاسوس‌خانه امریکاکشف‌شد ،نشان داد که این‌افراد نفوذگسترده‌ای دردستگاه‌های اجرائی‌کشور دارند. بدون‌شك در۹ماه گذشته،سیا از مرکز خود درسفارت امریکابسیاری ازاین افراد را سازمان داده‌است. ضدانقلاب اگرسازمان نداشت، هر روز بیشتر قدرت‌نمی‌گرفت . برای نجات انقلاب باید این‌سازمان‌را بیدرنگ، قبل‌ازآنکه سیااز ضربه‌ای‌که خورده بخود بیایدوجاسوس‌هایش‌را جمع‌وجورکند، از میان‌برد. برای‌انجام‌این‌کارلازم‌است‌لیست‌مأموران‌ساواک، که دردست‌مقامات مسئول‌است، باذکرمحل‌کار ساواکیها منتشرگردد واین‌افراد بلافاصله تسلیم دادگاه انقلاب شوند. دادگاه‌انقلاب باید هرکدام ازاین‌افرادرا به‌فراخور فعالیتش‌ـ پیش و بعد از انقلاب ـ مجازات کنند .

۲ کسانی‌که عملادرموضع ضدانقلاب قرار دارند. در۹ماه‌گذشته، مسئولانی بوده‌اند که بعلت‌پایگاه‌های طبقاتی، یامنافع شخصی ویاعدم درك انقلاب(بزعم‌صداقت خود) عملا در موضع‌ضدانقلاب قرارگرفته وبا ناراضی تراشی، مردم را به‌انقلاب بدبین‌کرده‌اند. این‌افراد درهرردہ وپستی که هستند،بایدافشا وپاکسازی شوند .

مسلماً با اجرای‌این پاکسازی، مقداری از نیروی‌کار، که ممکن‌است‌زیاد هم‌باشد، ازدورخارج می‌شود. بگمان ما این‌امرجای هیچ‌نگرانی ندارد. اولا ادارات ما باندازه‌کافی باتورم‌آدم روبرواست . ثانیاً فراوانند جوانان انقلابی ومعتقد بانقلاب‌که حاضرند با تمام نیرودرخدمت‌انقلاب‌باشند. بایاری‌گرفتن‌ازاین نیروان‌خط‌امام‌می‌توان‌بسرعت‌جاهای‌خالی‌ضدانقلابیون را ازانقلابیون، صرفنظرازتفاوت‌درعقایدسیاسی،مسلکی ومذهبی‌آنان، پرکردودستگاه دولت‌رادرخدمت خلق‌به کارانداخت. فایده جنبی‌این‌کار امیدوارکردن‌نیروهای صادقی‌استکه‌زیرفشار انحصارطلبان‌حتی‌مجبور بترك‌وطن خویش می‌شوند.

امریکا از دانشجویان مبارز انتقام‌میگیرد

باید این سلاح را از او گرفت

امپریالیسم تبهکار امریکا، انتقامجولی از اقدام انقلابی مردم‌ما را درتصرف‌لانه جاسوسی‌اش، از فشار به‌دانشجویان ایرانی آغازکرده است. نخست در سرزمین گانگسترها، پاره‌ای از عناصر «هدایت شده» درخیابانها براه‌افتادند وفریاد«ایرانی‌ها به‌خانه‌تان بازگردید» سردادند، دانشجویان ایرانی‌رابه‌گروگان‌گرفتندوباآنهادرگیری بوجود آوردند. واکنون‌کارتر، نماینده این شیطان بزرك رسما به‌وزارت دادگستری امریکا دستور اخراج دانشجویان ایرانی را صادرکرده است.

فراموش نکنیم‌که همین جناب درآغاز امسال، که سیل بی‌وطنان ایرانی،کاروان دزدان، جاسوسان وجنایتکاران فراری امریکا بود، دستورداده بودکه، رعایت حال‌ایرانیان‌رابکنند واوراق اقامت‌آنها را در هرشرایطی‌که هستند، تمدیدکنند !

اما اکنون‌که موج نیرومند پشتیبانی از انقلاب ایران وخواست استرداد شاه‌مخلوع بر دیوارهای کاخ سفید می‌کوبد،کارتر دانشجویان مبارز ایرانی را آماج تلافی‌جوئی خود قرار داده وفرمان اخراج آنهارا صادرکرده است.

به‌نوشته روزنامه‌ها، در امریکا ۷۰هزار دانشجوی ایرانی وجوددارد، ولی تعدادایرانیان مقیم امریکابه ۳۰۰هزارتن میرسد. دستورجناب کارتر فقط مربوط به این ۷۰ هزار دانشجو وبویژه آن اکثریتی است‌که‌به‌پشتیبانی‌ازانقلاب خود، علیه امپریالیسم امریکا دست به مبارزه زده‌اند، وگرنه روشن است‌که ایرانیانی نظیر اردشیر زاهدی‌ها، هوشنك انصاری‌ها واویسی‌ها و ازهاری‌ها که باچمدانهای انباشته ازثروت مردم وحسابهای پرویمان بانکی، ازترس‌خشم خلق، زندگی در زیر سایهٔ جناب کارتر را برگزیده‌اند، هدف این‌دستور رئیس‌جمهوری نیستند.

در اجرای این فرمان، وزارت دادگستری از دادستانهای فدرال درسراسر امریکا خواسته است که درباره مجوزهای‌تعقیب قضائی‌ایرانیان بمنظور بررسی سیاست مربوط به اخراج آنها، اطلاعات کافی جمع‌آوری‌کنند.

تبعیت نظام دست‌نشانده پیشین از سیاستهای نواستعماری موجب‌شد تابجای‌آنکه اسباب تحصیل جوانان درداخل‌کشورفراهم شود ودانشگاهها و مدارس عالی روزانه وشبانه، با ظرفیت‌کافی درسراسرکشورگسترش یابد، هرسال صدها هزارجوان آماده به ادامه تحصیل، در لهیب‌انتظار، پشت دردانشگاهها بمانند وعده‌ای که دستشان به دهان میرسید، راهی امریکا و کشورهای اروپای غربی شوند. نتیجه آن‌شدکه درلحظهٔ‌حاضر ۷۰ هزاردانشجودرامریکا وروبهم قریب ۱۵۰ هزاردانشجودرکشورهای اروپای غربی، امریکا و ژاپن داریم، بنحوی‌که تعداد دانشجویان ایرانی درانقلب‌کشورهای‌خارج‌نسبت به‌دانشجویان‌سایرکشورهادرردیف‌اول‌قراردارد.

ادامهٔ سیاست ضدملی صدور دانشجو،وجوه متفی بسیاربسیارآورده است. از یکسو هرساله میلیاردهادلارازمملکت‌بخارج‌میرود،درحالیکه با این‌پول میتوان برنیاد یك برنامهٔ مدون به ایجاد دانشگاهها و مدارس عالی وتربیت‌کادر انسانی لازم اقدام‌کرد وجزدرموارد ضروری از اعزام دانشجوبخارج خودداری نمود.

ازسوی‌دیگر برخی ازجوانان، که قبل از پژام‌فکری،درجوی‌بیگانه‌ونامأنوس‌پامیگذارند، تحت تأثیرتمدن وفرهنگ‌و آداب وسنن‌کشورهای‌اروپائی وامریکا یادرآنجا ماندگارمیشوند ویادر مهلکه فساد و انحطاط غلطیده و روی بازگشت ندارند. علاوه براینهمه، دانشجویان ایرانی مقیم‌کشورهای اروپای غربی و امریکا پیوسته آماج آزاروتهدید واعمال‌فشار دولتهای امپریالیستی برای سرکوب اقدامات ضدامپریالیستی مردم ما بوده‌اند، چنانچه‌در دوران حکومت دکترمصدق وملی‌کردن‌صنعت‌نفت‌شاهد بودیم واکنون‌نیزشاهدیم.

آقای بنی‌صدر، سرپرست وزارت امور خارجه، درموردفشاری که‌اکنون بردانشجویان ایرانی‌مقیم امریکاواردمیشود، به خبرنگاران گفت: «برای حل‌این‌مهم نیزدرصددیم تدابیری بیندیشیم »

ما عقیده داریم صرفنظر از تدابیر فوری وعاجل، که برای جلوگیری از ترك تحصیل دانشجویان ضروری است ، از وظایف حتمی شورای انقلاب ودولت انقلاب است‌که با تدوین برنامه‌های‌کوتاه‌مدت‌ودرازمدت، برای فراهم‌آوردن وسایل‌تحصیل دانشجویان درداخل‌کشور فکراساسی‌کنند، تا هم این‌وسیله اعمال فشاررا ازدست امپریالیسم بگیریم وهم ثروت مردم را به‌کشورهای امپریالیستی‌صادرنکنیم.

هزینه تحصیل‌دانشجویان ایرانی درخارج ازکشور قریب ۲میلیارد دلاراست، یعنی برابر باکل بودجه دولت برای آموزش وپرورش. با این‌پول چه‌ها که نمیتوان کرد. اکنون‌که یك رهبری مردمی برسرکاراست، آیاوقت‌آن‌نرسیده که نخستین‌سنك بنای فرهنك ملی‌خود را بنیان گذاریم وازاین‌پول برای بسط شبکهٔ دانشگاهی وتربیت‌کادر انسانی استفاده کنیم، تا چشم به عنایت امپریالیسم نداشته باشیم؟

ازنظر روزنامه رسمی کشور «پهلوی» هنوز رسمیت دارد!

«شاه، اگرامریکاحامی ویاور تست
چوبه‌دار ملت، منتظر توست»

این‌یکی‌ازشعارهائی است‌که‌این‌روزها وردزبان‌خلق‌قهرمان ایران است. خواست‌امام‌خمینی و انقلابی‌که تحت رهبری اوست نیزاینستکه،

امریکاباید شاه‌مخلوع رابایران تحویل‌دهد.

برای‌چه؟ برای‌آنکه دردادگاه انقلاب‌محاکمه شود وبسزای جنایاتش برسد. تااینجای‌مطلب برای مردم ایران‌ازبدیهیات‌است.

علاوه‌براین، مردم‌جهان، حتی درامریکای‌جنوبی‌هم میدانند که‌فردی بنام«محمدرضا پهلوی» یك جنایتکارودزد فراری است، که‌تحت تعقیب‌قانونی قرارگرفته است، حتی‌کارتر، کارفرمای‌اونیز قضیه رافهمیده است!

دراین میان‌فقط چندمؤسسه دولتی درخود ایران هستند، که ظاهراًهنوز درخواب اصحاف‌کهف هستند وانکارنه‌انکارکه‌دراین مملکت اصلا انقلابی شده‌است.

یکی ازاین موسسات بانك ملی‌ایران است‌که ناشراسکناس است وهنوز اسکناسهای‌دوران طاغوت را باآن عکس نحس برروی آن جمع نکرده است. می‌گویندتعویض سریع این اسکناسهاممکن نیست، چون سفارش‌چاپ‌اسکناس های‌جدیدرابایدبه‌امپریالیستها بدهیم وبرای اینکار باید درنوبت بایستیم ومدتی صبرکنیم، فعلاً واردکم‌وکیف این امرنمی‌شویم. ولی درعین‌حال این‌پرسش‌برایمان مطرح می‌گردد، آیا چاپ اتیکت دخانیات هم در انحصار امپریالیستهاست؟ ونمیشود آنهارا به این زودیها تغییر داد؟

وباز می‌پرسیم، آیا روزنامه رسمی‌کشور راهم‌امپریالیستها در خارج ازکشورچاپ می‌کنندوباین زودیها نمی‌توان‌درمندرجات آن دست برد؟! لابد می‌خواهید بدانید قضیه ازچه قرار است؟

درروزنامه رسمی کشور، شماره ۱۰۰۹۴، که درتاریخ۲۶ مهرماه ۵۸ انتشار یافته است، دربخش آگهیهای تاسیس، بانهایت تعجب می‌بینیم‌که آگهی تاسیس یك‌شرکت تعاونی باگاهی عموم رسیده است. به‌چه نام؟ بنام «شرکت تعاونی اعتبار کارمندان‌مجتمع فولاد پهلوی»!

ملاحظه میفرمائید؟! ازیکسومردم چوبه‌داربرای آن جانی تدارك دیده‌اند وازسوی دیگرفردی بنام «پهلوی» هنوز در ایران صاحب مجتمع فولاد است!

وازاین حیرت‌انگیزترآنکه، **۹ ماه** پس‌ازانقلاب، **آگهی تاسیس** «شرکت تعاونی اعتبار کارمندان مجتمع فولاد پهلوی» در روزنامه **رسمی کشور** بچاپ میرسد!

راستی دراین‌باره چه باید گفت وچه میتوان گفت؟!

کتاب تازه
مارکس، انگلس، و لنین درزندگی‌خصوصی
گردآورنده ومترجم:
مریم فیروز
از انتشارات حزب توده ایران

«مردم»
ارگان‌مرکزی
حزب توده ایران
نشانی،خیابان۱۶ آذرـ شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸و۹۳۳۴۵۹
چاپ، کاویان

اخبار کارگری

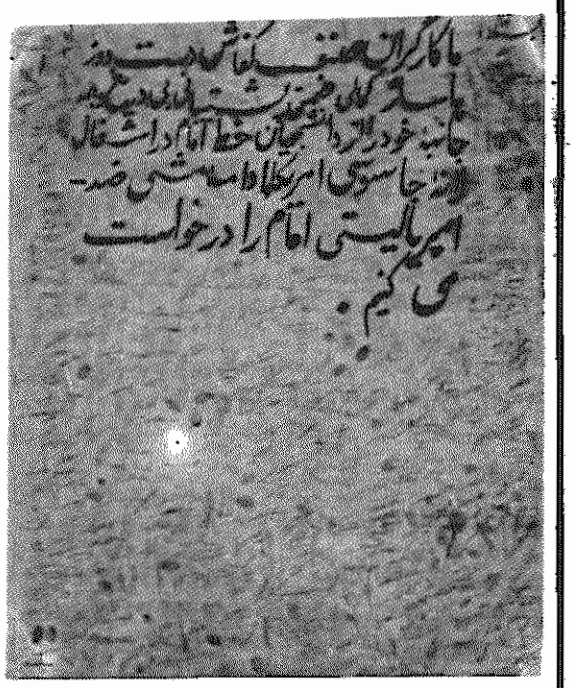

تصویر بالا، عکس طوماری است که کارگران صنف کفاش در پشتیبانی از اشغال‌لانه‌جاسوسی امریکا وحمایت ازمشی ضد امپریالیستی‌امام، برای «مردم» فرستاده‌اند.

کارگران پروژه‌ای آبادان از اشغال جاسوسخانه‌امریکاپشتیبانی‌میکنند

سندیکای کارگران پروژه‌ای آبادان و حومه اقدام انقلابی دانشجویان راکه‌سفارت جاسوسان امریکا را اشغال‌کرده‌اند، تأیید می‌کند.

این‌کارگران درقسمتی ازاعلامیهٔ خودمی‌نویسند،

«ما کارگران‌پروژه‌ای‌که‌بخشی اززحمتکشان‌واستثمارشدگان این‌مرزوبوم هستیم، امپریالیسم رایکی ازعمده‌ترین عوامل زندگی ستم‌وآرومحنت‌زدهٔ خوددانسته و بیکاری، بیماری، فقر، گرسنگی و بیفرهنگی و کلیه مظاهر عقب‌ماندگی را در وجود این پیکره جهانخوارمیدانیم وباکینهٔ‌نفرتی که ناشی ازخاصیت وجودی ما زحمتکشان نسبت به‌امپریالیسم میباشد، اعتقادوایمان راسخ داریم تازمانیکه ریشه‌های وابستگی به‌امپریالیسم وارتجاع‌داخلی بطور تمام‌وکمال قطع نگردیده نه‌تنها بحرانهای سیاسی و اقتصادی در سراسرکشور بجای خودباقی خواهدماند بلکه استقلال‌وآزادی‌نیز درجامعه ما استقرارنخواهد یافت.

ماکارگران پروژه‌ای‌آبادان‌که‌همواره درمبارزه‌علیه‌استبداد واستعمار درصف اول‌قرارداشته ودارایم، همبستگی خود را با اقدام انقلابی دانشجویان رزمنده‌مسلمان پیرومشی امام دراشغال سفارت آمریکا، این‌لانه‌فسادوجاسوسی، تائیدواعلام‌میداریم.

«ننك ونفرت برامپریالیسم و سرسپردگان داخلیش»
«نابودبادسلطه‌اهریمنی‌امپریالیسم جهانخوار آمریکا»
«مستحکم‌بادپیوندکارگران‌وزحمتکشان سراسر ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع»

اخبار دهقانی

وام واعتبار باید بدهقانان داده‌شود نه‌به زمینداران بزرك

علیرغم روحیه انقلابی‌که باید بردستگاههای دولتی حاکم باشد، اداره دخانیات سروستان کلیه اعتباراتی راکه برای کشت تنباکووکمك‌به‌کشاورزان دردست‌داشت، مانندزمان‌طاغوت‌دراختیار دونفر ازفئودالهای محلی قرارداده وکشاورزان‌بی‌چیز وخرده پادا ازکمك‌ووام محروم‌کرده است. دونفرفئودال‌محلی،که هریك ۱۱۰ هزارتومان ازاین اداره وام‌گرفته‌اند،طبق‌معمول این‌پول‌رابمصرف شخصی ونه کشاورزی رسانده‌اند و درعوض تعداد زیادی کشاورز تنباکو کار ومحتاج،که برای‌گرفتن‌وام باین اداره مراجعه‌کردند، دست‌خالی برگشتند.

باین‌نحوه عمل باید برای همیشه‌پایان‌داده‌شود.زمین‌داران با اعمال زور ونفوذ وتزویر نه‌فقط‌اراضی‌را ازصاحبان حقیقی‌آن، یعنی دهقانان‌میگیرند، بلکه اعتبارات دولتی راهم بالا می‌کشند. نه عدالت اجتماعی رعایت میشود ونه تولیدکشاورزی رونق‌مییابد. کوتاه کردن دست زمین داران بزرك و فئودالها ضرورت مبرم روز است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز ، ما هواداران حزب توده ایران در فیروز کوه آغاز سی و نهمین سال مبارزه خونین‌وبی‌امان‌حزب‌پرافتخارمان درراه‌تحقق‌آرمانهای‌زحمتکشان‌را بشما تبریك‌میگوئیم‌وپیروزیهای بیشتری را در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی ،به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و تحقق آرمانهای خلق ایران آرزو میکنیم و تا پای جای بفرمان حزبمان هستیم .

هواداران حزب‌توده ایران در فیروزکوه

موفقیت در مذاکرات ، برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان ، آرزوی ماست .
آتش بس شرط حتمی و ضرور برای نیل به این موفقیت است